روزنامه شرق

دوشنبه ۲ تیر ۱۳۹۹ • ۳۰ شوال ۱۴۴۱ • ۲۲ ژوئن ۲۰۲۰

سال هفدهم • شماره ۳۷۴۷ • موقتاً ۱۲صفحه • ۵۰۰۰ تومان

رئیس قوه قضائیه:

اجرای عدالت از مهم‌ترین اقدامات گام دوم نظام اسلامی است

گروه سیاست: رئیس قوه قضائیه گفت: امروز برای نظام اسلامی در گام دوم، مسئله اجرای عدالت از مهم‌ترین اقداماتی است که باید صورت گیرد. حجت‌الاسلام رئیسی در مراسم تجدید میثاق با آرمان‌های امام راحل اظهار کرد...

صفحه ۲

آیا کرملین از ناآرامی‌ها در آمریکا خشنود است

پوتین نمی‌خندد

گروه جهان: شادی از سقوط دیگران بخشی اساسی در تبلیغات سیاسی است؛ بنابراین افراد زیادی هستند که احتمالا معتقدند رسانه‌های دولتی روسیه از تماشای جدی‌ترین ناآرامی‌های آمریکا از سال ۱۹۶۰ لذتی تام‌وتمام می‌برند. قطعا افراد زیادی...

صفحه ۸

اکازیون نشینان مجلس

پرونده اعضا و رؤسای کمیسیون‌های حوزه اقتصاد مجلس یازدهم بسته شد

شرق: دیروز با رأی اعضای کمیسیون‌های مجلس، پرونده انتصاب رؤسای کمیسیون‌های تخصصی بسته شد؛ کمیسیون‌هایی که برخی از آنها به عنوان یک موقعیت اکازیون نام می‌برند و آن‌قدر میان نمایندگان پرطرفدار هستند که انتخابشان به همین سادگی نیست. طبق اعلام خانه ملت، محمدرضا پورابراهیمی رئیس کمیسیون اقتصادی شد و حمیدرضا حاجی‌بابایی به عنوان رئیس کمیسیون برنامه‌وبودجه انتخاب و عزت‌الله اکبری‌تالارپشتی به‌عنوان رئیس کمیسیون صنایع و معادن انتخاب شد. هرچقدر صف نمایندگان پشت در این کمیسیون‌ها طولانی است، به گفته زهره الهیان، نماینده این دوره مجلس، کمیسیون‌هایی مانند کمیسیون فرهنگی و آموزشی یا حقوقی کم‌اقبال است. اعضای هر کمیسیون می‌تواند بین ۱۹ تا ۲۳ نفر باشد اما طرفداران آنها متفاوت‌اند، همچنان که برای کمیسیون اقتصادی ۴۴ نماینده و برای حضور در کمیسیون برنامه‌وبودجه ۵۸ نماینده و برای کمیسیون صنایع و معادن ۶۸ نماینده ثبت‌نام کرده بودند...

ادامه در صفحه ۵

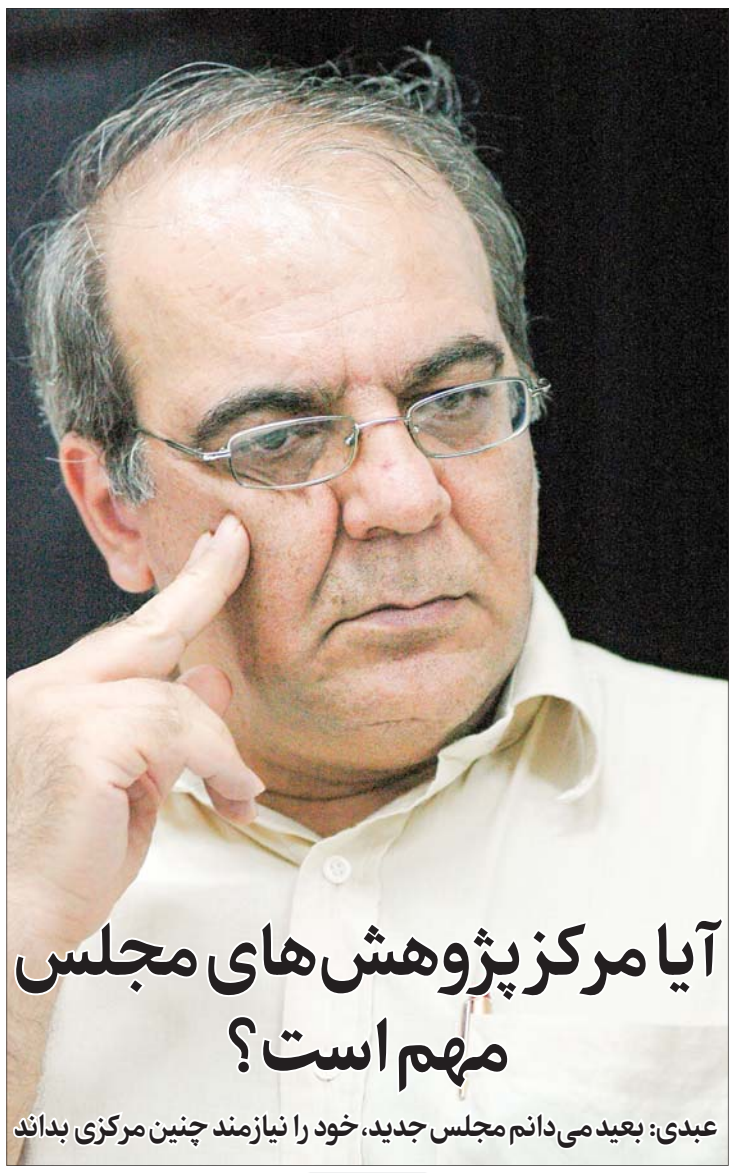

آیا مرکز پژوهش‌های مجلس مهم است؟

عبدی: بعید می‌دانم مجلس جدید، خود را نیازمند چنین مرکزی بداند

عکس: کاوه بغدادچی

صفحه ۲

قاضی بابایی در پنجمین جلسه دادگاه طبری:

صحت و سقم خبر مرگ منصوری احراز نشده است

سفیر رومانی احضار شد

صفحه ۳

تیترها

برندگانی که از خرید خودرو جا ماندند

صفحه ۴

جهنم درختان در «باغ بهشت» تهران

صفحه ۹

به‌توپ‌بستن مشروطیت

بررسی زمینه‌های مقابله محمدعلی‌شاه قاجار با نخستین دوره مجلس شورای ملی

صفحه ۳

معمای پول زور

بررسی تخلفات رئیس سابق بیلیارد در گفت‌وگو با سهیل واحدی

صفحه ۱۱

خیابانی که قتلگاه شد و چراغ همدردی را برافروخت

بهروز غریب‌پور

صفحه آخر

محدودیت‌ها در یک جامعه دموکرات

ماریو بارگاس یوسا

ترجمه: منوچهر یزدانی

صفحه ۶

سرمقاله

کشیده‌شدن ترامپ به لبه پرتگاه توسط بولتون

احمد عظیمی‌بلوریان . استاد پیشین مریلند

رویدادهای اخیر جهان در مقیاسی باورنکردنی و بهت‌آور روی می‌دهند، درست مانند توفانی که لانه کلاغ‌ها را از بلندای درختان تخریب می‌کند و این پرندگان با جیغ‌وداد در آسمان می‌چرخند و فریاد می‌زنند. تازه‌ترین این رویدادها بروز و همگانی‌شدن ویروس کرونا در سطح جهانی و همچنین جنجال‌های سیاسی جهانی است که عمدتا به ابتکار عمل ترامپ روی داده‌اند؛ مانند به‌هم‌زدن پیمان‌های دفاعی و اقتصادی مانند پیمان نفتا میان ایالات متحده، کانادا و مکزیک در قاره آمریکا، اختلال در پیمان ناتو بین دو سوی اقیانوس اطلس و تلاش برای دورکردن ایران از ونزوئلا که از دید ترامپ بخشی از امپراتوری ایالات متحده است. آخرین این رویدادها تاکنون خبر انتشار کتابی با عنوان «اتاق رویدادها: خاطرات کاخ سفید» توسط جان بولتن، مشاور امنیت ملی پیشین رئیس‌جمهور آمریکاست که موجب افزایش تنش و جیغ‌وداد ترامپ شده تاجایی‌که این تاجر، همه انرژی خود را صرف جلوگیری از به‌بازارآمدن این کتاب کرده است. جنجال تلاش ترامپ برای جلوگیری از پخش این کتاب مانند بسیاری از کارهای او بی‌سابقه است. نکته جالب در این زمینه این است که اگر این رویداد در یک کشور خاورمیانه صورت می‌گرفت، برخورد با آن متفاوت می‌بود؛ نویسنده را فورا بازداشت می‌کردند و اگر مقاومت می‌کرد، همان بلایی را سر او می‌آوردند که پلیس شهر مینیاپولیس سر یک شهروند سیاه‌پوست به نام جورج فلوید آورد. فرهنگ سیاسی ایالات متحده چنین اجازه‌ای را به رئیس‌جمهور نمی‌دهد؛ اما چرا خبر انتشار قریب‌الوقوع این کتاب ترامپ را پریشان کرده است، درحالی‌که جان بولتون هم مانند ترامپ در جبهه راست افراطی ساختار سیاسی آمریکا قرار دارد؟ این کتاب دربرگیرنده شماری افشاگری است که انتشارشان به زیان تلاش ترامپ برای انتخابات دور دوم ریاست‌جمهوری تمام می‌شود. البته همین افشاگری‌ها دست نویسنده را به‌دلیل دوروبودن رو می‌کند. چرا تا زمانی که در مقام مشاور ترامپ در کاخ سفید حضور داشت و از مزایای امتیاز نزدیکی به رئیس‌جمهور بهره‌مند بود، جز سکوت و بله‌قربان‌گفتن کاری نکرده بود؟

جنجال ناشی از تلاش ترامپ برای پخش‌نشدن این کتاب ضمن همه مشکلاتی که برای مدیریت یک جامعه دموکراتیک - یا مدعی دموکراتیک بودن - دارد، از دو امتیاز برخوردار است: نخست اینکه سرپوشی بر درد بزرگی است که با بروز ویروس کرونا به جان جامعه آمریکا افتاده است. اقتصاد آمریکا - هم در مقیاس بزرگ سرمایه‌داری و هم در مقیاس میلیون‌ها خانوار دست به دهان آمریکایی از جمله آفریقایی‌تباران و مهاجران تازه‌وارد - چنان دچار ایستایی شده است که بیا و ببین. امتیاز دوم سرپوش‌گذاردن بر دیگر تلاش‌های ترامپ در انتخابات ریاست‌جمهوری سال جاری است. با انتشار خبر چاپ کتاب و توزیع آن در چند روز آینده، رسانه‌های آمریکا این خبر را به‌عنوان داغ‌ترین و مهم‌ترین خبر عالمگیر بازتاب دادند. از دید این رسانه‌ها پنج تا ۱۰ موضوع در کتاب مورد اشاره موجب برانگیختن خشم ترامپ و تلاش او برای جلوگیری از پخش کتاب شده است. مهم‌ترین این موضوعات عبارت‌اند از: ۱. کمک‌گرفتن ترامپ از رئیس‌جمهور چین کمونیست در دوره اول انتخابات با وجود اتهامات اخیر ترامپ به چین در انتشار ویروس کرونا، ۲. کمک به دیکتاتورهای جهان از جمله رئیس‌جمهور ترکیه در حفظ گروه‌بندی‌ها و اختلاف‌افکنی میان کشورها در جهت حفظ برتری قدرت ایالات متحده، ۳. حمایت از اردوگاه‌های اجباری در چین برای اویغورهای مسلمان که بی‌شباهت به منزوی‌کردن آفریقایی‌تباران ایالات متحده نیست، ۴. افشاگری مکالمات درِگوشی همکاران ترامپ از جمله پمپئو، وزیر امورخارجه، نسبت به بی‌سوادی ترامپ و نداشتن آگاهی کافی از اوضاع جهان (بولتون از پمپئو نقل قول می‌کند که ظاهرا ترامپ در فلان مورد «چرت‌وپرت گفته است»)، ۵. ترس ترامپ از افشاگری درباره انتخابات دوره اول و انتخابات مرحله دوم، ۶. علاقه ترامپ به افزایش دوره زمامداری رؤسای جمهور آمریکا. البته خود بولتون نیز در معرض انتقاد شدید نسبت به انتشار کتاب خود است. اگر علایق ترامپ شامل ادامه ریاست‌جمهوری و قدرتمندکردن ایالات متحده در حد قوی‌ترین دولت جهان است، علایق بولتون از نوشتن و انتشار کتاب خود هم کسب درآمد چند میلیون دلاری است که فقط پیش‌پرداخت آن توسط ناشر دو میلیون دلار بوده است. ترامپ سخت مقاومت می‌کند و می‌خواهد به هر قیمتی در انتخابات امسال برای دور دوم ریاست‌جمهوری برنده شود.

ادامه در صفحه ۴

یادداشت

راهبرد مدیریت بحران با مشارکت گرورداران

مهدی زارع*

قانون سازمان مدیریت بحران کشور از چهارم شهریور ۱۳۹۸ با ابلاغ مصوبه مجلس شورای اسلامی از سوی رئیس‌جمهور اجرائی شده است. در این قانون، در ذیل ماده ۴، در بند الف مصوب شده است که سند راهبرد ملی مدیریت بحران در چارچوب این قانون، جهت‌گیری و روش‌ها را از سوی دستگاه‌های مشمول این قانون و «نحوه مشارکت مردم» مشخص می‌کند. در آخرین روز بهار ۹۹ و در سی‌امین سالروز زلزله ۳۱ خرداد ۶۹ منجیل، رئیس سازمان مدیریت بحران کشور اعلام کرد اولین جلسه ستاد مدیریت بحران کشور در سال جاری به ریاست وزیر کشور با دستور کار تصویب سند راهبرد ملی مدیریت بحران برگزار می‌شود. آنچه در همین قانون مصوب مدیریت بحران بر آن تصریح شده، مشخص‌کردن «نحوه مشارکت مردم» است. این موضوع برگرفته از یک یافته مهم علمی و در سطح بین‌المللی است که اتفاقا سوانح طبیعی در ایران از زمینه‌های مهم رسیدن به چنین نتیجه مهمی بوده است؛ «مدیریت بحران بدون مشارکت گرورداران (ذی‌نفعان-شهروندان و اهالی منطقه آسیب‌دیده) عملا راه به بیراهه می‌برد». آنچه از بخشی از رخدادهای زمین‌لرزه‌های گذشته به‌عنوان پیامدهای زمین‌لرزه‌ها می‌توان مرور کرد، سابقه‌ای عمدتا غیرمشارکتی در پاسخ و بازسازی به سانحه در دو سده گذشته را نشان می‌دهد. فلج‌شدن ناگهانی اقتصاد محلی، اغلب به جابه‌جاشدن جمعیت، مهاجرت و بحرانی‌شدن وضع مردم منجر شده است. پس از یک دوره کوتاه شور و شوق برای برنامه‌های بازسازی، اجرای طرح‌های گوناگون، به‌ویژه برای شهرهای کوچک و روستاها، به‌تدریج کم‌رنگ می‌شود. واقعیت به‌تدریج بعد از حادثه خودنمایی می‌کند. بودجه‌های در دسترس از قبل پیش‌خور شده و مبالغ درخور ملاحظه‌ای باقی نمی‌ماند! رفته‌رفته مسائلی که از بازسازی صرفا فیزیکی و غیرمشارکتی ناشی می‌شود، پیچیده‌تر می‌شود. کم‌کم یا دولت‌ها عوض می‌شوند یا کاهش علاقه مسئولان به این می‌انجامد که بسیاری از جاها ازجمله محل‌های کوچک‌تر بازسازی نمی‌شود و جاهای بزرگ‌تر نیز به بیغوله‌های به حال خود رهاشده‌ای بدل می‌شود که ساکنان آن آغاز به مهاجرت می‌کنند و اعضای کمتر فعال جامعه خود را برجای می‌گذارند. جنبه‌های انسانی و سیاسی فاجعه زمین‌لرزه به‌ندرت از سوی پژوهشگران تحلیل می‌شوند. پس از زمین‌لرزه ۱۸۲۴ میلادی در شیراز، حکومت محلی علی‌اکبرخان کلانتر (فرزند حاج ابراهیم کلانتر، صدراعظم ایران در اوایل دوره فتحعلی‌شاه) به ساکنان بازمانده شهر اجازه نداد بعد از زلزله از شهر خارج شده و در روستاها به‌عنوان سرپناه موقت مستقر شوند. این بی‌تدبیری موجب تلفات وسیع بازماندگان بی‌سرپناه به دلیل بیماری به میزان روزانه ۲۰۰ نفر شد. چنین بی‌تدبیری‌ای را به ترس علی‌اکبرخان کلانتر از تنهاماندن در محدوده فرمانروایی خود در شیراز و احساس ناامنی او مربوط دانسته‌اند! پس از زمین‌لرزه ۱۹۲۳م (۱۳۰۲ ش) کاج‌درخت تربت‌حیدریه در خراسان، حاکمیت ضعیف از بی‌اطلاعی یا بی‌تدبیری (یا هر دو!) پنداشت که نیازی به پول برای کمک‌رسانی به روستاییان نیست؛ زیرا وضع مالی بازماندگان کم‌تعداد که دارایی خویشاوندان کشته‌شده خود را به ارث می‌برند، بهتر از پیش خواهد شد! پس از زمین‌لرزه ۱۹۲۹ م (۱۳۰۸ش) قوچان در کپه‌داغ، استاندار خراسان با آگاهی‌یافتن از فساد و سوءاستفاده، نظارت بر هزینه وجوه را خود بر عهده گرفت؛ دو روز بعد، به دلیل نظارت بیش از اندازه دقیقش ناچار شد از استانداری کناره‌گیری کند! زمین‌لرزه‌ها گاه موجب به‌راه‌افتادن آشوب محلی بعدی هم شده‌اند. در فروردین ۱۳۱۴ هنگامی که زمین‌لرزه ویرانگر کسوت مازندران در جنوب ساری رخ داد، مدتی بود که رضاشاه برگزاری عزاداری عمومی را قدغن کرده بود. در ساری و بابل مردم بعد از رخداد زمین‌لرزه و در واقع به دلیل نارضایتی از حکومت، دست به تظاهرات ضدحکومتی زدند که البته دخالت ارتش به خونریزی و سرکوب تظاهرکنندگان انجامید. نمونه‌ها فراوان هستند؛ از زمین‌لرزه ۱۰ شهریور ۱۳۴۱ بوئین‌زهرا تا زلزله ۳۱ خرداد ۱۳۶۹ منجیل و زمین‌لرزه ۲۱ آبان ۹۶ سرپل‌ذهاب. مسئله متمرکزکردن بر پایه زمینه‌های اقتصاد منطقه‌ای اجرا می‌شده که از این دیدگاه، اولا نمونه‌های خارجی موفق فراوانی در کشورهای درحال‌توسعه و توسعه‌یافته از کانادا و استرالیا گرفته تا ژاپن و چین اجرا شده و درثانی تقریبا همیشه این زمینه‌ها در مناطق آسیب‌دیده بسیار قوی بوده؛ اما اثرات زیان‌بار آن بر افراد و برخی گروه‌های اجتماعی کمتر گفته شده و مرکز بحث و بررسی قرار گرفته است. یک تمرکزدهی نسبتا نسنجیده پس از زمین‌لرزه ۱۹۶۸ م (۱۳۴۷ش) دشت بیاض، اثر زیان‌باری بر زندگی اجتماعی و اقتصادی بازماندگان شماری از آبادی‌ها گذاشت که مدتی در برابر نقل‌مکان از روستاهای خود در دشت خضری و کاخک ایستادگی می‌کردند.

ادامه در صفحه ۲

یادداشت

آمار متناقض دو نهاد از اقتصاد ایران

اسفندیار جهانگرد

دانشیار دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی

در جهان سیستم حساب‌های ملی برای اولین‌بار در سال ۱۹۵۳ به‌صورت مجموعه‌ای تحت عنوان «سیستم حساب‌های ملی» یا «SNA» منتشر شده است. آخرین تجدیدنظر در SNA، در سال ۲۰۰۸ صورت گرفت که ازسوی نهادهای معتبر بین‌المللی تأیید شد. در ایران تهیه حساب‌های ملی، بعد از جنگ جهانی دوم به‌صورت موردی و براساس نیازهای خاص شروع شد؛ ازجمله در سال‌های ۱۳۳۷ و ۱۳۳۸ به‌ترتیب «تولید ناخالص داخلی ایران برای سال ۱۳۳۴» و «تولید ملی ایران برای سال ۱۳۳۶»، ازسوی کارشناسان خارجی محاسبه شد. سپس سازمان برنامه‌وبودجه، درآمد ملی کشور را برای دوره زمانی ۱۳۳۷ تا ۱۳۴۰ به تفصیل برای بخش‌های مختلف اقتصادی برآورد و منتشر کرد. بانک ملی نیز برآورد مقدماتی دیگری را برای سال ۱۳۳۸ به انجام رساند. با تأسیس بانک مرکزی در سال ۱۳۳۹، تهیه حساب‌های ملی بر عهده این بانک گذاشته شد و پس از آن براساس قانون بهمن‌ماه ۱۳۵۳، این وظیفه رسما به مرکز آمار ایران محول شد. این نوشتار با این مقدمه دو بخش دارد؛ یکی بحث جایگاه تولید آمار حساب‌وکتاب ملی کشور و دیگری ارائه تصویر این شاخص‌ها در سال ۱۳۹۸. اخیرا هر دو نهاد بانک مرکزی و مرکز آمار ایران اقدام به انتشار حساب‌های ملی ایران در سال ۱۳۹۸ کرده‌اند که به این بهانه، این یادداشت تهیه شده است. همان‌طورکه آمد در ایران سال‌هاست این دو نهاد مهم و معتبر اقدام به تولید حساب‌های ملی می‌کنند و همواره کش‌وقوس بر سر تولید حساب‌های ملی بین دو نهاد وجود داشته که براساس سلیقه و میزان موفق نشان‌دادن عملکرد اقتصاد به‌عبارتی حرف خود را از منظر بهتر جلوه‌دادن عملکرد اقتصاد بر کرسی نشاندند و دولتمردان هم از آن طرف که باد آمده به همان طرف بادش دادند! که در برخی موارد نویسنده به‌عنوان حکم بین دو نهاد و تولید فعالیت مربوط به دستگاه اجرائی دعوت شده بودم و از نزدیک با فرایند این ماجرا درگیر بوده‌ام. کارکرد موازی این دو نهاد برای تولید و نشر آمار موافق و مخالفانی دارد که شاید مهم‌ترین استدلال موافق، رقابت و بهبود کیفیت تولید آمار در کشور و همچنین ضعف نهاد دیگر در ارائه به‌موقع آمار بوده که به نظر می‌رسد این دومی تا حدودی در سال‌های اخیر رفع شده باشد. اما برای بررسی استدلال اول در ادبیات علمی رقابت دارای ابعاد و قواعد خاص خود است. در ادبیات علمی اقتصاد، رقابت ابعاد زیادی دارد که برخی از آنها باعث انتقال پرداختی به مصرف‌کنندگان یا استفاده‌کنندگان می‌شود که اینجا موضوع قیمت مطرح است. برخی از ابعاد آن باعث انتقال به شخص ثالث می‌شود که می‌توان فساد را دراین‌باره مثال زد. برخی از ابعاد آن هم باعث «اتلاف خالص رانت یا زیان بی‌اثر» می‌شود که به‌تعبیری سرمایه‌گذاری بر ظرفیت‌هایی است که استفاده کارآمدی ندارند. رقابت جریان خوبی است اما برای اطمینان از مفیدبودن برای جامعه و اقتصاد، به قانون و مقررات و عمل به آن نیاز است. ارائه آمارهای حساب‌های ملی این دو نهاد و منطقه‌ای مرکز آمار ایران حاکی از وجود زیان بی‌اثر یا اتلاف خالص رانت در کشور است. به موارد زیر در سال ۱۳۹۸ توجه کنید که قابلیت تعمیم به اکثر سال‌ها را دارد. ارائه آمارهای رشد تولید این دو نهاد برمبنای تولید ناخالص داخلی حقیقی به قیمت پایه بدون نفت اختلافی، حدود یک درصد رشد اقتصادی، با نفت یک‌دهم درصد، به قیمت بازار دو دهم درصد، خالص مالیات بر واردات ۱۰۳ درصد دارند. همچنین در برآورد میزان تولید ناخالص داخلی حقیقی به یک سال پایه و به قیمت پایه، ۹۱ هزار میلیارد تومان، تولید ناخالص داخلی حقیقی به قیمت بازار ۷۵ هزار میلیارد تومان و تولید ناخالص داخلی حقیقی بدون نفت ۷۴ هزار میلیارد تومان اختلاف دارند. این اختلاف‌ها در ارقام سطح و رشد هزینه مصرف خصوصی، تشکیل سرمایه، تغییر موجودی انبار و صادرات و واردات هم وجود دارد. از نظر سطح ارزش افزوده و رشد ارزش افزوده فعالیت‌های اقتصادی هم این اختلاف کماکان وجود دارد و بازکردن این موضوع مانند بازکردن اختلاف بین تولید ناخالص داخلی و از حوصله این نوشتارخارج است. اختلاف در سطح تولید ناخالص داخلی حقیقی ایران این دو نهاد معادل تولید ناخالص داخلی هر یک از کشورهای قرقیزستان، تاجیکستان، کوزوو و نصف تولید ناخالص داخلی کشور گرجستان در سال ۲۰۱۷ یا به اندازه تولید ناخالص داخلی حقیقی استان گلستان و چهارمحال‌وبختیاری با خراسان جنوبی یا خراسان شمالی با ایلام در سال ۱۳۹۵ است؛ بنابراین از قرار معلوم هم در سطح متغیرها و هم در رشد متغیرها بین تولید حساب‌های ملی ایران توسط دو نهاد سازگاری وجود ندارد؛ همان‌طورکه گفته شد این فقط مربوط به سال ۱۳۹۸ نمی‌شود و در اکثر سال‌ها این اختلاف وجود دارد؛

ادامه در صفحه ۲

حرف اول

قطع‌نامه ضد ایرانی آژانس و رفتار برجامی اروپا

فریدون مجلسی

برخی همسویی اروپا با آمریکا در ارائه پیش‌نویس و سپس تصویب قطع‌نامه اخیر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی علیه ایران را تسلیم‌شدن اروپا در مقابل آمریکا در ماجرای برجام می‌دانند. تحلیل این گروه این است که چون جمهوری اسلامی در اختلافش با آمریکا محق است، پس اروپا نیز باید جانب حق را بگیرد و از ایران حمایت کند؛ مشابه آنچه در توییت وزیر خارجه ایران درباره همدستی سه کشور با اسرائیل و آمریکا به آن اشاره شد. آنان باید به این نکته توجه کنند؛ اصلی اساسی که کشورهای دیگر در روابط بین‌المللی رعایت می‌کنند، بر پایه حق یا احساس حقانیت و غیرت‌مداری قرار ندارد، بلکه از سوی هر کشوری بر پایه مقتضیات منافع ملی آن کشور است. اگر منافع کشورهای اروپایی و آمریکایی در امری همسویی داشته باشد، این به معنی تسلیم اروپاشدن در مقابل آمریکا نیست و اگر در مسائلی اختلاف داشته باشند، در آن موارد همسویی هم نخواهند داشت. در مسئله برجام اروپا با خروج یک‌جانبه آمریکا موافق نبود و به آن کار لحاظ حقوقی و حرمت به امضای تعهدآور آمریکا اعتراض داشت؛ اما وضع تحریم‌های جدید را به دلایل خارج از توافق برجام موضوعی جداگانه و مربوط به روابط دوجانبه سیاسی ایران و آمریکا می‌دانست. با این‌حال هرچند اروپا رسما خود را به برجام پایبند می‌دانست، در اجرای عملی تحریم‌ها نیز از همان آغاز از آمریکا تبعیت می‌کرد، ضمن آنکه می‌کوشید اگر در رابطه سیاسی مورد نظر آنان تغییری در رفتار ایران حاصل شود، دریچه‌ای برای ادامه یا تجدید روابط ایران و اروپا گشوده بماند. اروپا انتظار داشت ایران ضمن تحمل تحریم‌های فزاینده، به تعهدات برجامی خود هم پایبند بماند. وقتی جمهوری اسلامی گام‌های تلافی‌جویانه درباره تعهدات برجامی خود را در پیش گرفت، اروپا ضمن ابراز مخالفت و تشویق ایران به اجرای تعهدات برجامی خود اعلام کرد اگر این گام‌ها از خط قرمزهای تعهدات برجام بگذرد، در ارجاع موضوع به شورای حکام سازمان انرژی اتمی و تهدید و توسل به کشیدن ماشه و برگرداندن قطع‌نامه‌های تحریمی شورای امنیت تردید نخواهند کرد.

ادامه در صفحه ۴